

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



نشریه دانشجویی سر خط

شماره ۱۴۸ ■ بهار ۱۴۰۲

هر اربع شماره میخوانید :

۳

بوشهر

۴

منتظران حکومت مهدی

۶

خلیج فارس

۹

تریون آزاد

سر دبیر :

مهدی نبی پور

مدیر مسئول :

محمد رضا بنافیان

اعضای هیئت تحریریه:

مهدی دارابی ، علیرضا رضایی ، محمد مهدی

فرجی ، مهدی نبی پور ، حسن عباسی ، عباس

حیدری ، علیرضا سمیعی ، حسنعلی نجاتی

ویراستار:

محسن صحت فرد

پیشگفتار



این شماره از نشریه دانشجویی سرخط با تلاش بچه های هیئت تحریریه نوشته شده، متأسفانه بدلیل مشکلاتی این شماره با تاخیر زیاد منتشر شد. البته همچنان در هیئت تحریریه به دانشجو های خلاق برای نوشتن مطالب در شماره های بعدی نشریه نیاز داریم. اگر به نوشتن علاقه مندید حتماً با ما در ارتباط باشید.

راه ها ارتباطی

ایتا ، بله ، تماس : ۰۹۹۰۵۵۶۷۵۵۰



بوشهر

نویسنده: عباس حیدری

میپرداختند. این امر به این مفهوم نبود که بوشهر نمیخواست نقش برجسته تری را برعهده بگیرد. در واقع در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی بوشهر کوشید تا این نقش را برعهده بگیرد اما سیاست دولت مرکزی و همچنین شرایط عینی بازار اجازه نمیداد که این بندر بتواند برای هرمز تا سال ۱۶۲۶ میلادی و نیز برای بندر عباس بعد از سال ۱۶۲۲ به صورت رقیبی عمده در آید.

دکتر ویلم فلور

تاریخ بوشهر از صفوی تا زند

بوشهر در انتها ایله شبه جزیره ای - که به شکل سیگار برگ است - و از ماسه سنگ های دوران چهارم زمین شناسی ساخته شده است قرار دارد.

طول این شبه جزیره ۱۲ مایل و عرض آن در پهن ترین قسمت، ۴ مایل است که به موازات سرزمین اصلی واقع شده و در میانه آن توسط دشتی ماسه ای به پهنای حدوداً ۲۰ مایل، موسوم به مشیله، به سرزمین اصلی ایران متصل می گردد. مشیله در فصل زمستان بیشتر به باتلاق می ماند.

بوشهر اندکی بالاتر از سطح دریا قرار داشت و در اوایل قرن ۱۹ - به علت بالا آمدن آب دریا - اغلب همانند جزیره بود.

بوشهر مانند شمار زیادی از بنادر در خلیج فارس برای قرن ها نقش ناچیز تجارت در منطقه ایفا میکرد زیرا ساکنان عمدتاً به صید ماهی و مروارید



منتظران و حکومت مهدی

نویسنده: مهدی دارابی

کنند و آینده را مطابق آرمان خویش می سازند و به تشکیل حکومت دینی اقدام می کنند .

استاد مطهری در کتاب قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از این نوع انتظار به انتظاری سازنده ، نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش یاد میکند به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق بررسی شمرده شود .

وی در توصیف انتظار توانمند تصریح می کند : ظهور مهدی موعود حلقه ای است از مبارزه حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود . صحیح بودن یک فرد در این سعادت وقوع بر این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.

مهدی نوید اهل عمل صالح و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان میباشد .

شیعیان در عصر حضور امام معصوم، در نظام امامت مبتنی بر نص اتفاق نظر داشتند ولی در عصر غیبت یعنی در دوران انتظار دو نگرش متفاوت نسبت به موضوع سیاست و دولت وجود دارد که می توان تحت عنوان انتظار فعال و انتظار غیرفعال تحلیل و بررسی نمود:

الف) انتظار فعال که می توان از آن به انتظار توانمند نیز تعبیر کرد ، ویژگی خاص خود را دارد.

منتظران در آن تلاش میکنند که انتظارشان هرچه زودتر برآورده شود و خود را موظف می دانند که زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را به هر طریق ممکن آماده سازند لذا بر محور یک آرمان حرکت می کنند و با عمل به وظایف اسلامی به تداوم فرهنگ ناب اسلامی اهتمام ورزیده و بر انسجام درونی خویش می افزایند و با صبر و فرصت شناسی ، به تغییرات آرام فرهنگی و گسترش دوره مومنی اقدام می

گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها ناشی می‌شود. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یکه تاز میدان گردد و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد.

ایشان این نوع انتظار فرج را که منجر به تعطیلی در حدود مقررات اسلامی می‌شود، مغایر با موازین اسلامی و قرآنی می‌دانند.

استاد مطهری ضمن بست دیدگاه فوق از برخی روایات اسلامی یاد می‌کند. این سخن از دولت اهل حق است که تا قیام امام مهدی علیه السلام ادامه پیدا می‌کند. بنابراین مسئله انتظار مرکب از دو مسئله بیگانگی با وضع موجود و خواهان وضع بهتر بودن است.

این دو رشته اعمال عبارتند از:

الف) ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل زوال و فساد و مبارزه و درگیری با آنها

ب) خودسازی و کسب آمادگی جسمی و روحی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی

منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد و باید از هم اکنون حتماً در صف انقلابیون قرار گیرد.

در انتظار غیر فعال منتظران فقط منتظرند و برای تحقق انتظارشان به غیر از دعا برای تعجیل ظهور امام علیه السلام کاری نمی‌کنند.

استاد مطهری در توصیف این نوع از انتظار نقلی دارند که: برداشت بشری از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط و فقط از





خلیج فارس

نویسنده: علیرضا رضایی

۱- منابع ایرانی: خلیج فارس طبق اسناد موجود از هزاره هشتم پیش از میلاد مورد استفاده تجاری و نظامی ملت های دنیای قدیم قرار گرفته است. در سنگ نبشته داریوش هخامنشی در مصر متعلق به سال ۵۱۸ تا ۵۰۵ پیش از میلاد، که هنگام حفر کانال سوئز به دست آمده است، در عبارت «درایه تپه هچا پارسا آیی تی هنی» به معنای دریایی که از پارس می رود یا سر می گیرد، نام دریای پارس آمده است. ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را «پارسا درایا» یا دریای پارس می خواندند. در کتیبه هایی که از داریوش در تنگه هرمز نیز یافت شده، عبارتی پیرامون دریایی که از «پارس رود» سرچشمه می گرفته است به چشم می خورد. در کتاب حدود العالم به عنوان قدیمی ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده است آمده است: «خلیج پارس از حد پارس برگیرد، با پهنای اندک تا به حدود سند.»

۲- منابع یونانی: طبق نوشته مورخان و جغرافی نگاران یونانی که پیش از میلاد مسیح می زیسته اند چون هرودت

۴۸۴ - ۴۲۵ ق. م) کتزیاس (۴۴۵ - ۳۸۰ ق. م)، گزنفون (۴۳۰ - ۳۵۲ ق. م) استرابن (۶۳ ق. م - ۲۴ م)، یونانیان نخستین ملتی هستند که به این دریا نام پرس و به سرزمین ایران پارسه، پرسای، پرس پولیس، یعنی شهر یا مملکت پارسیان داده اند. «هکاتیوس هلطی» از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال ۴۷۵ قبل از میلاد از نام دریای پارس استفاده کرده است. در نقشه های باستانی از قول هرودوت و گزنفون به این دریا، دریای پارس اطلاق شده است. کلودیوس پتوله ماوس (بطلمیوس)، جغرافی نگار، نقشه نگار و ریاضی دان مشهور قرن دوم میلادی، در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته شده، و همچنین در نقشه ای که کشیده، از خلیج فارس با نام پرسیکوس سینوس یاد کرده است.

بنابراین مورخان و جغرافی نگاران یونانی پیش از میلاد در شرح وقایع تا سده ۷ ق. م یعنی سقوط حکومت عیلام و تشکیل حکومت ماد و روی کار آمدن هخامنشیان دریای مکران و خلیج فارس را دریای پارس می خواندند.

۳- منابع اسلامی: پس از فتح ایران توسط اعراب در سده هفتم پس از میلاد، تلاشی برای تغییر نام «دریای پارسی» صورت نگرفت. اعراب مسلمان، عموماً این خلیج را «بحرالفارسی» (دریای پارسی) می‌نامیدند و این نام از سوی امپراتوری‌های ایرانی، ترک و عربی هم که در ۱۲۰۰ سال بعد منطقه را تحت سلطه خود داشتند مورد احترام قرار گرفت.

محققان اسلامی نظیر استخری، مسعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقدسی، مستوفی، ناصر خسرو، الطاهرین مطهر المقدسی (بشاری)، ابوالقاسم بن محمد بن حوقل و ... که مطالعه در اطراف این دریای ایرانی را تا قرن ۱۵ ادامه دادند، در آثار و نوشته‌های خود از آب‌های جنوب ایران به نام‌های بحر فارس، البحر الفارسی، بحر مکران، الخلیج الفارسی و خلیج فارس یاد کرده‌اند.

ابوعلی احمد بن عمر معروف به ابن رسته در کتاب الاعلاق النفسیه که در سال ۲۹۰ هجری به رشته تألیف درآورده، تصریح می‌کند: «فاما البحر الهندی یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس یسمى الخلیج الفارسی». «اما از دریای هند خلیجی بیرو می‌آید به سمت سرزمین فارس که آن را «خلیج فارس» می‌نامند.»

به گفته جرجی زیدان تاریخ‌دان عرب، «بحر فارس» محدود به آب‌هایی می‌شود که دنیای عرب را دور می‌زند. محمد عبدالکریم صبحی نیز در کتاب «علم الخرائط» در نقشه‌هایی که با ترجمه عربی نقل کرده است، دریای جنوب ایران را ((الخلیج فارسی)) و ((بحر فارس)) نامیده است.

۴- منابع غربی: بیشتر کسانی که در مورد دریای پارسی و دریای مکران مطلب نوشته‌اند بیگانگان و به ویژه انگلیسی‌ها بوده‌اند، زیرا به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که در این منطقه داشته‌اند کوشیده‌اند تا حقیقت نهفته بماند و نام‌های جعلی و ناقص جای اسامی درست را بگیرد. اما منابعی از آن‌ها بجای مانده است که بر صراحت نام خلیج فارس تکیه می‌کنند.

در سال ۱۸۹۲، لرد کرزن، وزیر خارجه انگلستان، در کتاب «ایران و قضیه ایران» مکرراً به نام خلیج فارس اشاره کرده است.

ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، در گزارش مورخه ۱۹۷۱ میلادی خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام خلیج فارس استفاده کرده است. در فرهنگ‌هایی که به زبان‌های مختلف تدوین و چاپ شده است، از جمله فرهنگ‌های آلمانی، انگلیسی، امریکایی، فرانسوی، ترکی و ... خلیج فارس نیز به همین نام آورده شده است.

۵- اسناد حقوقی:

الف (اسناد: دلایل و مستندات حقوقی معتبری درباره اصل نام خلیج فارس وجود دارد که به قرن ۱۶ میلادی بازمی‌گردد. طی سالهای ۱۵۰۷ تا ۱۵۶۰ در کلیه موافقت‌هایی که پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، هلند، فرانسه، آلمان با دولت ایران داشتند حتی در متون عربی نیز از عبارت «خلیج الفارسی» و در متن انگلیسی «پرشین گلف» استفاده شده است. از جمله این اسناد استقلال کویت است که میان امیر این کشور و نمایندگان بریتانیا منعقد شده است.

ب (سازمان ملل متحد: سازمان ملل متحد تا به حال دو بار نام تاریخی و اصیل این آبراه را «خلیج فارس» اعلام کرده است. سازمان ملل خلیج فارس را نامی تازه می‌داند که از آغاز قرن بیستم جانشین نام کهن دریای پارس شده و بیش از دریای فارس مورد استفاده قرار گرفته است.

دبیرخانه این سازمان در سند مورخ ۵ مارس سال ۱۹۷۱ میلادی به دولت ایران یادآور می‌شود که بنابر عرف جاری در دبیرخانه سازمان ملل متحد در اسناد و نقشه‌های جغرافیایی، منطقه آبی بین ایران از سمت شمال و خاور و تعدادی از کشورهای عربی از سوی جنوب و باختر به نام خلیج فارس نامیده می‌شود، و این بنا بر عرف قدیمی انتشار اطلس‌ها و فرهنگ‌های جغرافیایی است.

دومین بیانیه به تاریخ دهم آگوست ۱۹۸۴ ثبت شده است و در هر موقعیت، همه ۲۲ کشور عربی نیز اسناد سازمان ملل را امضا کرده‌اند.



از قرن‌ها پیش عیلامی‌ها از بندر بوشهر و جزیره خارک برای اقامت و کشتیرانی و حکم فرمایی بر سواحل خلیج فارس و بازرگانی با هند استفاده می‌کردند. اکثر مورخان یونانی - از جمله هرودوت - معتقدند که بابلی‌ها وسایل مورد نیاز خود را که از عربستان و هندوستان تهیه می‌کردند، از طریق خلیج فارس حمل می‌کردند.

پیشینه تاریخی

بنابر مدارک موجود، خلیج فارس از هزاران سال پیش نه توسط ایرانیان، بلکه توسط ملت‌هایی که با ایرانیان ارتباط داشته‌اند، از جمله یونانیان و رومیان با عنوان «دریای پارسی» نامیده شده است. عرب‌های قرن‌ها آن را «خلیج فارس» یا «بحر فارس» نامیده‌اند.

تمام متون قدیمی جغرافی جهان از نقشه‌های هکاتایوس و بطلمیوس تا آثار جغرافیدانان و جهانگردان مسیحی و مسلمانان، شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند را که از جنوب ایران به موازات بحر احمر تا قلب دنیای قدیم پیش رفته است، خلیج فارس یا دریای فارس نامیده‌اند.

نام‌های جغرافیایی آبراهی که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد بر اساس تمام اسناد تاریخی-جغرافیایی، نقشه‌های موجود از یونان باستان تا دوره معاصر و همچنین بیانیه‌های سازمان ملل متحد، «خلیج فارس» نام دارد و حتی در تمام نوشته‌ها و نقشه‌های عربی که پیش از دهه ۱۹۶۰ به چاپ رسیده است از عنوان «الخلیج الفارسی یا بحر فارس» استفاده شده است.

خلیج فارس ایران در طول تاریخ خود از اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار بوده و هست. ارتباط این آبراه با اقیانوس هند و آب‌های آزاد، باعث شده تا منطقه از لحاظ تجاری، نظامی و سیاسی مهم باشد

وسعت خلیج فارس حدود ۲۴۰،۰۰۰ کیلومتر است و پس از خلیج مکزیکو و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان محسوب می‌شود.

حاشیه خلیج فارس شامل کشورهای ایران، عراق، کویت، بحرین، عربستان، قطر، امارات و عمان می‌شود و در این بین بیشترین ساحل خلیج فارس که قابلیت کشتیرانی نیز دارد، تحت حاکمیت ایران می‌باشد.

خلیج فارس به عنوان یک راه آبی و دریایی از آغاز تاریخ موقعیت مهم و برجسته‌ای داشته است و به نوعی خاستگاه تمدن‌های بزرگ با پیشینه‌ای چند هزار ساله است.



تربیون آزاد

موضوعات مطرح شده در تربیون آزاد دانشجویی در
قالب نوشته طنز

نویسنده: احمد رضا نعمت الهی

جدیدی نیست رو هم که کنارش بذاریم ، شما انگار با یه تیر دوتا نشون زدی و تو دوران دانشجوییت یه دوره تخصصی زندگی در شرایط سخت روهم گذروندی.

یه مورد دیگه هم که سر زبون ها افتاده و خیلی خفنه ، کم بودن کتاب مرجع در کتابخانه مرکزی هست که البته منطقی هست. دانشجو چه دلیلی داره آماده خور بار بیاد؟ بعدشم خودش باید ذهن خلاق و دانش آفرین داشته باشه. مگه نیوتن و ارسطو و بقیه بزرگواران کتاب مرجع دم دستشون بوده؟؟

اگه فکر میکنید فقط همیناس سخت در اشتباهید. رفیقام میگن به خاطر این که مسئولین تأکید خیلی بالایی بر خودکفایی دارن، امکانات و وسایل ورزشی دانشگاه رو تعویض و تعمیر نمیکنن! چیزی هم اضافه نمیشه. تو خوابگاه هم کلا کار رو سپردن به خود دانشجو و یه مکان خالی دادن دست ملت و همه چیو به ذهن خلاق و ایده های نابشون سپردن.

خب شما به من بگو کدوم مسئول دانشگاهی میشناسید که انقدر به بچه ها باور داشته؟

امروز روی صندلی پارک اساتید نشسته بودم و چشم به منظره رو به رو دوخته بودم و تو این فکر بودم که واقعا دارم تو بهشت زندگی میکنم. چیه فکر می کنید شوخی میکنم؟؟ خب بذارید یه مقدار از امتیاز های خاص دانشجو بودن در دانشگاه خلیج گوانتانامو که نقل محافله رو بگم تا یه مقدار غبطه بخورید.

اولین موردی که بچه ها میگن و خیلی بهش مباحثات میکنن اینه که مسئولین عزیز هنوز اصالت خودشون رو حفظ کردن و اعتقاد راسخ به این دارن که دانشجو تا سختی نکشه از آب و گل در نیاد.

واسه همینه که حرارت دلچسبی که سیستم های سرمایشی دانشگاه به کلاس ها و سلف میدن ، علاوه بر پوست کلفت کردن دانشجو ها ، به خاطر وجود رطوبت و گرمای مطلوب ، باعث میشه تا درسات تموم بشه و یه چند سالی جوون تر بشی . خوب شما به من بگو کدوم مسول دانشگاه دیگه ای غیر دانشگاه خلیج به فکر سلامت پوست دانشجو هم هست؟

تازه کمبود آب خوابگاه ها که بچه ها میگن چیز

خب دیگه! فکر کنم که دیگه قانع شده باشید این جا چه بهشت برینیه. امیدوارم که اگر کسی رو میشناسید که در شرف انتخاب دانشگاه هست، بهش این امتیاز ها و مزایا رو بگید که حتما این جا رو انتخاب کنه.

یه چیز دیگه که میگن جناب معلمی روش حساس هست، اینه که دانشجو علاوه بر پوست کلفت بودن باید با مشکلاتش روبه رو بشه. سر همین هم هست که شنیده شده هم راه پله اضطراری علوم داده درش قفله و هم آسانسور ها کار نمیکنن. شنیدم بچه ها همه با هم عهد کردن اگر خدای ناکرده آتش سوزی، زلزله یا سونامی ای رخ داد بچه ها ایشون رو رو سفید کنن.

